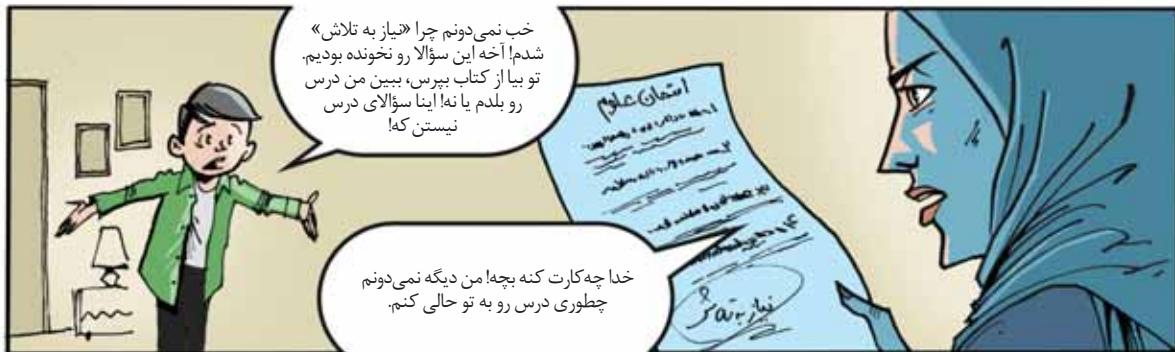


## لازم نیست اعدامش کنید!



عصر آن روز، برگه‌ی امتحانی را جلویمانت گذاشتیم و شروع کردیم به جواب دادن به تک تک سوال‌ها. پس‌زم هر سوالی را با من و من می‌خواند و بعد از اینکه من برایش توضیح می‌دادم سوال چه می‌خواهد، جواب را می‌گفت. حتی یک سوال هم نبود که جوابش را نداند. فکر کردم قبیل از آمدن من به خانه تمرین کرده و درس را خوانده است.



دو هفته بعد



همون دو سوال که شما نفهمیده بودید منظورشون چیه، به من کمک کردند متوجه بشم، همکارم گاهی سوال‌ها را از لحاظ نگارشی غلط می‌نویسه و در واقع، بجههای نمی‌تونند بفهمند معلم تو سوال از اون‌ها چی خواسته. این مشکل بجههای نیست، بلکه معلم باید سوال‌ها رو روان و مطابق زبان بجههای ششم ابتدایی بنویسه.



معلم فارسي درست می‌گفت. من زيان درک و فهم خودم را دارم، بجهه هم زيان خودش و معلم علوم هم همین‌طور. ما تنها باید به تعریف‌های مشترک از خواسته‌هایمان برسیم. همین که بجهه مفهوم را درک کند، درباره‌ی آن می‌اندیشید و به جواب صحیح می‌رسد.

وظیفه و تکلیف من یا معلم این است که قدرت درک و تفکر دانش آموز را تقویت کنیم، نه اینکه خواسته‌مان را به زيان خودمان به او دیکته کنیم و جواب از قبل تعیین شده خودمان را بخواهیم.

پس لطفاً اولاً معلم‌ها سوال‌ها رو به فارسی روان و با نگارش درست بنویسند و بعد هم ما اولیا بگذاریم بجهه سوال را چند بار بخواند و خودش بفهمد باید چه کند.

